



دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

نشریه حفاظت و بهره‌برداری از منابع طبیعی

جلد پنجم، شماره اول، ۱۳۹۵

<http://ejang.gau.ac.ir>

عوامل عینی و ذهنی مؤثر بر درک ارزش زیبایی‌شناختی سیمای سرزمین

*سپیده سعیدی^۱، مرجان محمدزاده^۲، عبدالرسول سلمان ماهینی^۳ و سیدحامد میرکریمی^۴

^۱کارشناس ارشد ارزیابی و آمایش محیط‌زیست، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، ^۲استادیار گروه محیط‌زیست دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، ^۳دانشیار گروه محیط‌زیست دانشگاه علوم کشاورزی و

منابع طبیعی گرگان

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۸/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۱۹

چکیده

سابقه و هدف: تحقیقات اخیر اهمیت زیادی به ارزیابی ارزش زیبایی‌شناختی سیمای مناظر طبیعی داده‌اند. برداشت افراد، برگرفته از خصوصیات ادراکی سیمای سرزمین متفاوت است و این همان چیزی است که در این مطالعه به آن تجربه‌ی زیبایی‌شناختی یا درک ارزش زیبایی‌شناختی گفته می‌شود. این برداشت‌های مختلف در نتیجه تنوع موجود در سیمای مناظر و بر مبنای شکل، رنگ، بافت، ریتم، تناسب، توازن، تقارن، نظم، امتداد و پیوستگی متفاوت است. در این مطالعه هدف شناسایی معیارهای عینی و ذهنی مؤثر بر درک ارزش زیبایی‌شناختی است.

مواد و روش کار: این پژوهش از نوع مروری بوده که به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از مدارک و سوابق موجود، ضمن تحقیق در خصوص عناصر تشکیل‌دهنده‌ی سیمای سرزمین، اجزا و متغیرهای هر عنصر را مورد بررسی قرار داده است.

یافته‌ها: ارزیابان محیط زیست معمولاً با استفاده از دو نگرش عینی و ذهنی ارزش‌های زیبایی‌شناختی یک منطقه را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. در نگرش اول کیفیت بصری سیمای سرزمین با استفاده از ارزش‌های فیزیکی و زیستی خود منظر از قبیل تنوع شکل زمین، پوشش گیاهی، جنبه‌های آبی و عوارض انسان ساخت و در نگرش دوم براساس دید انسان، درک و حس او از منظر تعریف می‌شود.

*مسئول مکاتبه: s.saeidi@Ymail.com

نتیجه‌گیری: در این مقاله انواع عوامل عینی (فیزیکی و زیستی) و ادراکی (ذهنی) اثرگذار روی ارزش زیبایی شناختی سیمای سرزمین و نقش هر یک از این عوامل بر ارجحیت یک منظر ارائه شده است و نتایج نشان داد که توسعه مکانی سیمای سرزمین بدون ارزیابی مناسب از اثرات زیبایی شناختی، منابع طبیعی گردشگری مهم و دارای ارزش بالا را با مشکل مواجه می‌سازد بنابراین شناخت انواع عوامل عینی و ذهنی جهت ارزیابی صحیح ضروری به نظر می‌رسد. کیفیت زیبایی شناختی نباید تنها به‌عنوان ویژگی ذاتی یک شیء فیزیکی به حساب آید، بلکه تمایز ذهن و طبیعت راه را برای ارج نهادن به نقش احساس در تخمین ترجیح زیبایی شناسی هموار می‌سازد، در واقع تحلیل زیبایی شناختی می‌تواند با درجه‌ای از عینیت، بر مبنای ترجیحات عموم مردم سنجیده شود؛ بنابراین تلفیق دو رهیافت عینی و ادراکی (ذهنی) می‌تواند به‌عنوان روشی جامع برای ارزیابی کیفیت زیبایی شناختی سیمای سرزمین به کار گرفته شود. با توجه به این که حس بصری بیشترین تأثیر را روی کیفیت تجربه‌ی تفریحی افراد دارد بنابراین ارزیابی کیفیت بصری و زیبایی شناختی سیمای سرزمین باید به‌عنوان یک بخش کاربردی در طرح‌های آمایش و مدیریت سرزمین اعمال شود.

واژه‌های کلیدی: سیمای سرزمین، ارزیابی ارزش زیبایی شناختی، عوامل عینی، عوامل ذهنی.

مقدمه

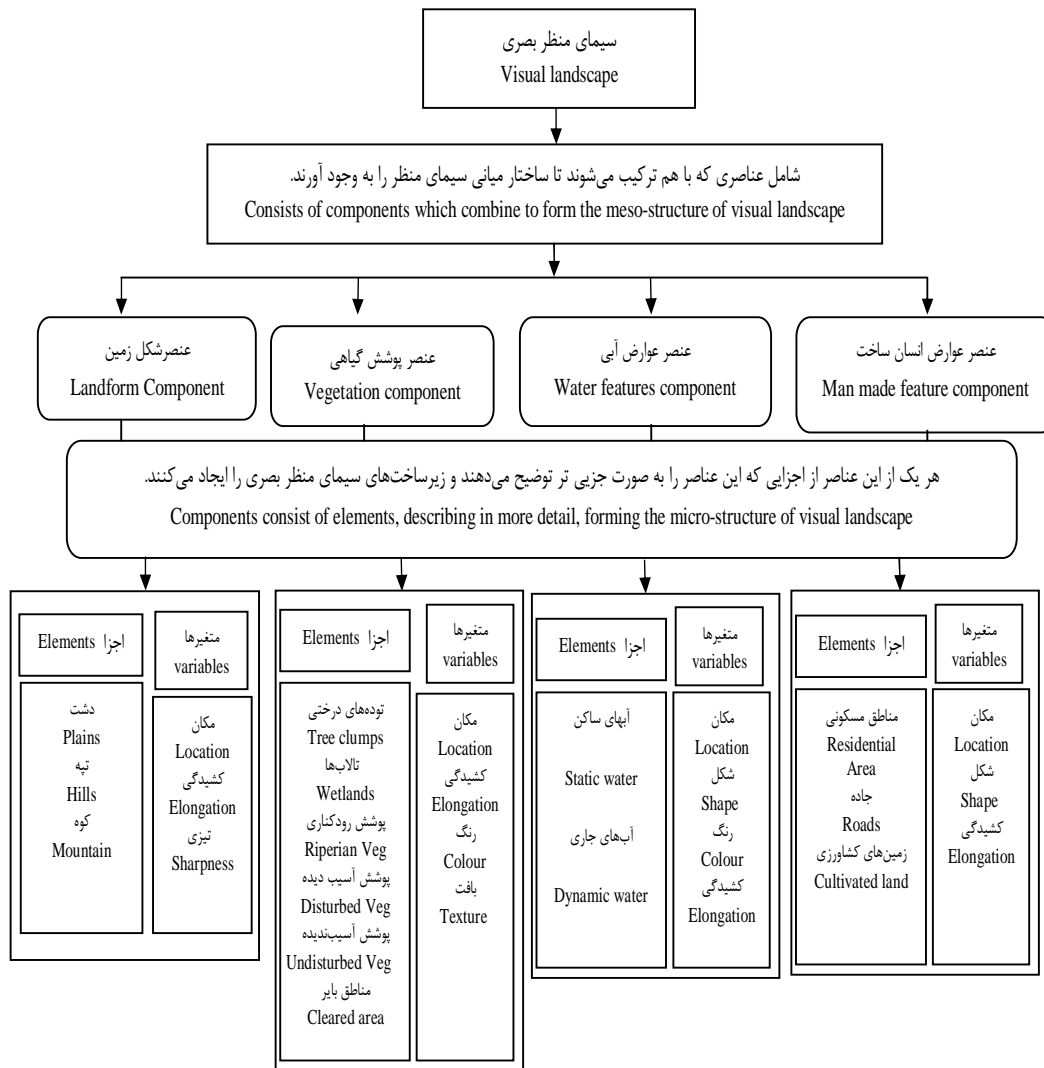
زیبایی منظر عنصری اصلی است که در محیط طبیعی در رابطه با توریسم و تفرج با آن روبرو بوده و نه تنها به فرد بیننده سود می‌رساند بلکه سهم مهمی در مطلوبیت کلی یک منطقه دارد (۴). درک ارزش‌های زیبایی‌شناختی سیمای سرزمین، فراتر از فرآیند شناسایی علائم فیزیکی و زیستی موجود در منظر است و در واقع فرآیند ادراکی است که از تبدلات زیبایی‌شناختی بصری و غیربصری بین مشاهده‌گر و فضای جغرافیایی دیده شده، منشاء می‌گیرد. این درک فرآیندی است که از طریق آن اطلاعات حسی به صورت ساختارهای معنی‌داری سازمان‌دهی، طبقه‌بندی و تشخیص داده می‌شوند. با توجه به این که حس بصری یا همان ارزش زیبایی‌شناختی سیمای سرزمین، بیشترین تأثیر را روی کیفیت تجربه‌ی تفرجی افراد دارد، ارزیابی کیفیت بصری ضروری به نظر می‌رسد. کیفیت بصری یا ارزش زیبایی‌شناختی سیمای سرزمین می‌تواند با استفاده از ارزش‌های فیزیکی و زیستی خود منظر سنجیده شود که این بیان‌کننده نگرش عینی است و یا می‌تواند براساس دید انسان، درک و حس او از منظر تعریف می‌شود که نشان‌دهنده‌ی نگرش ذهنی است. در واقع زیبایی منظر نتیجه‌ی ترکیب خاصی از پدیده‌ها و ویژگی‌های فیزیکی از قبیل شکل زمین، پوشش گیاهی، عوارض انسان ساخت، عوارض آبی است که بر مبنای برداشت ذهنی افراد بازدیدکننده و درک افراد از موقعیت سیمای سرزمین، سازمان‌دهی شده و منجر به تجارب زیبایی‌شناختی متفاوت می‌شود. بنابراین به جای دیدن کیفیت زیبایی به‌عنوان ویژگی ذاتی یک شیء فیزیکی، تمایز ذهن و طبیعت راه را برای ارج نهادن به نقش احساس در تخمین ترجیح زیبایی‌شناسی هموار می‌سازد (۱۷).

مواد و روش‌ها

این پژوهش از نوع مروری بوده که به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از مدارک و سوابق موجود، ضمن تحقیق در خصوص عناصر تشکیل‌دهنده سیمای سرزمین، اجزا و متغیرهای هر عنصر را مورد بررسی قرار داده است. در ادامه با توجه به مرور منابع مختلف، انواع عوامل عینی و ذهنی تأثیرگذار روی ارزش زیبایی‌شناختی منظر به تفصیل معرفی خواهند شد.

انواع عوامل عینی و نقش آن‌ها بر درک سیمای سرزمین: این بخش شامل توصیفی از عناصر عینی در یک سیمای سرزمین است. عناصر عینی مهم عبارتند از شکل زمین (شامل جنبه‌هایی از اشکال سطح زمین از قبیل وجود کوه، قله، یال، دره و دشت)، پوشش گیاهی، جنبه‌های آبی و عوارض انسان

ساخت. هریک از این عناصر می‌توانند به زیربخش‌هایی تقسیم شوند که در واقع میکرو ساختارها و یا اجزای عناصر را تشکیل می‌دهند. این اجزا می‌توانند به عنوان معیارهای جذابیت نیز مطرح شوند. شکل (۱) تفکیک سیمای سرزمین به عناصر، اجزاء و متغیرهای سازنده‌اش را نشان می‌دهد.



شکل ۱- تفکیک سیمای سرزمین به عناصر، اجزاء و متغیرهای سازنده‌اش (۵)

Figure 1. The breakdown of landscape into components, elements and variables(5)

شکل زمین: برجستگی‌های سه بعدی سطح زمین، توپوگرافی یا شکل زمین نامیده می‌شوند. شکل زمین اصلی‌ترین عنصر در سیمای سرزمین است که عناصر مختلف را به هم مربوط می‌سازد و در حاشیه‌های آبی پایان می‌یابد (۱۴). شکل زمین ترکیبی از شیب، جهت و ارتفاع می‌باشد که شکل، فرم و سطح زمین را ایجاد می‌کند (۲۰). اجزای شکل زمین از عوارض بزرگ مقیاس مانند دشت‌ها و کوه‌ها تا عوارض کوچک مقیاس مانند تپه‌های منفرد و دره‌ها تشکیل شده است.

اجزای عنصر شکل زمین: شکل زمین می‌تواند براساس مقیاس، ویژگی‌ها، شیب، مبدأ زمین‌شناسی و شکل طبقه‌بندی شود. در بررسی خصوصیات زیبایی‌شناختی سیمای سرزمین، شکل مهم‌ترین جزء است، زیرا کیفیت بصری و عملکردی سیمای سرزمین را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. سیمای سرزمین ساختار منظمی از اشکال است که به اشکال مسطح، محدب، مقعر، یال‌ها و دامنه‌ها تفکیک می‌شود (۲). دشت‌ها به دلیل داشتن ماهیت افقی مشخص و کوه‌ها و تپه‌ها به دلیل داشتن ماهیت عمودی اهمیت دارند، در نتیجه تجربه‌ی زیبایی‌شناختی که هر یک در ذهن بیننده ثبت می‌کنند نیز از هم متفاوت است.

متغیرهای قابل اجرا برای اجزای شکل زمین: شکل، اندازه، رنگ و موقعیت اجزای شکل زمین به عنوان ویژگی‌های مهم مطرح هستند، برای مثال مجاورت تپه‌های به هم پیوسته یا کوه‌ها باعث می‌شوند که به صورت یک گروه به هم پیوسته دیده شوند. یک دشت می‌تواند عملکرد یک محور را داشته باشد (اگر به صورت خطی باشد)، یعنی طول آن بزرگتر از عرض آن باشد. در واقع این اجزاء شکلی کشیده دارند که حسی از جنبش را ایجاد می‌کنند و در نتیجه تجربه‌ی زیبایی‌شناختی از سیمای سرزمین را تحت تأثیر قرار می‌دهند. اجزایی که کشیدگی ندارند اجزای کانونی هستند و در بیشتر مواقع به صورت نقطه دیده می‌شوند. تیزی نیز وقتی که اثرات پیوستگی اجزای شکل زمین در یک منظر ارزیابی می‌شود، مهم است (۱۶).

پوشش گیاهی: پوشش گیاهی نقش مهمی در شکل، رنگ، بافت و تنوع یک سیمای سرزمین بازی می‌کند. پوشش‌های گیاهی با توجه به این که باعث ایجاد نمادها، رنگ‌ها و بافت‌های مختلف می‌شوند زیبایی را به سیمای سرزمین اضافه می‌کنند.

بیر (۱۹۹۸)، بیان کرد که گیاهان احساسات را تشویق می‌کنند و اشکال مختلف، الگوهای رشد، رنگ‌ها و اندازه‌ها باعث ایجاد تجارب زیبایی‌شناختی متفاوتی می‌شوند. او همچنین بیان می‌کند که تعداد کمی از افراد هستند که مسحور زیبایی گل‌ها و گیاهان نشوند (۱).

اجزای پوشش گیاهی: مارش (۱۹۹۱)، سه نوع مختلف طرح طبقه‌بندی برای پوشش گیاهی را بیان کرده است (۱۱):

۱. فلوریستیک که گیاهان طبق گونه، جنس و خانواده طبقه‌بندی می‌شوند.
 ۲. فیزیونومیک یا شکل و ساختار که بر اساس بررسی کلی شکل گیاهان یا جوامع بزرگ گیاهی برای مثال جنگل‌ها و علفزارها است و با توجه به گونه‌های چیره طبقه‌بندی می‌شوند.
 ۳. اکولوژیک که پوشش گیاهی بر اساس زیستگاهی که در آن یافت می‌شوند طبقه‌بندی می‌شوند، برای مثال گیاهان موجود بر روی تپه‌های شنی، تالاب‌ها یا سواحل دریاچه‌ها.
- در این مقاله با توجه به هدف این مطالعه که بررسی اثر عوامل روی ارزش زیبایی‌شناختی است، شکل و نوع ساختار گیاهی مورد توجه قرار دارد.

متغیرهای قابل اجرا برای اجزای پوشش گیاهی: پوشش گیاهی چندین عملکرد ساختاری در یک سیمای سرزمین دارد برای مثال می‌تواند باعث ایجاد فضاهای خالی یا توده‌ها شود، برخلاف فضاهای خالی درختان و درختچه‌ها توده‌ها را ایجاد می‌کنند (۱۴). موارد زیر جهت توضیح اجزای پوشش گیاهی با هدف تحلیل نهایی کیفیت بصری مهم تشخیص داده شده‌اند.

مکان: نسبت به دیگر اجزا از آن جهت که مجموع عناصر را ایجاد می‌کند مهم‌تر است، پوشش گیاهی مستقل از تجربه‌ی زیبایی‌شناختی خاصی که از طریق شکل، رنگ و بافت ایجاد می‌کند، یک اثر مثبت روی سیمای سرزمین دارد. انبوهی پوشش گیاهی به گونه‌ای که توزیع عمودی بزرگتر باشد تأثیر مثبت بیشتری دارد. سیلوینین و همکاران (۲۰۰۱)، درصد بالایی از ترجیح زیبایی‌شناختی را برای درختان در یک سیمای سرزمین یافتند و بیان کردند که پوشش گیاهی تالابی و رودکناری ارزش کمتری از نظر بصری نسبت به درختان بلند دارند، زیرا دارای توزیع عمودی کمتری هستند (۱۵).

شکل: فرم بیرونی یک جزء است که از طریق زمینه‌ی افقی آن ایجاد می‌شود (۱۶). اشکال متنوع و مختلف توده‌های پوشش گیاهی به تنوع عمومی سیمای سرزمین اضافه می‌کنند، چگونگی توزیع نیز

اهمیت دارد زیرا روی یکپارچگی اثر می‌گذارد. اشکال ساده و پیچیده نیز اثر زیبایی شناختی متفاوتی روی سیمای سرزمین دارند.

رنگ: تقابل رنگ‌های پوشش گیاهی به تنوع عمومی سیمای سرزمین می‌افزاید، دامنه‌ی رنگ می‌تواند از قرمز تیره، نارنجی، زرد تا سبز و ارغوانی متفاوت باشد. شدت مختلف رنگ‌ها تأثیر متفاوتی روی تجربه‌ی زیبایی‌شناختی افراد دارد. تنوعی از رنگ‌های تیره و روشن بر میزان هیجان می‌افزاید. کم‌رنگ بودن و رنگ‌های آرام باعث ایجاد حس آرامش شده و از هیجان می‌کاهند در حالیکه رنگ‌های تیره و شدید بر میزان هیجان می‌افزایند (۱۴).

تنوع: وجود بافت‌های مختلف نیز بر تنوع عمومی سیمای سرزمین می‌افزاید. بافت‌های زبر و ناهموار، نزدیک‌تر به نظر می‌رسند در حالیکه بافت‌های نرم و هموار دورتر به نظر می‌رسند و حسی از مسافت و عمق را در انسان القاء می‌کنند. اثر پوشش گیاهی روی یک سیمای سرزمین بستگی به نوع بافت آن دارد مثلاً بافت‌های ریز و نرم باعث می‌شوند که فضاها بزرگتر به نظر برسند (۵).

کشیدگی: بسته به مکان، پوشش گیاهی می‌تواند به‌عنوان یک ویژگی کانونی عمل کند. لکه‌های پوشش گیاهی با شکل‌های کشیده می‌توانند به‌عنوان محورهایی در تعامل محوری-کانونی در یک سیمای سرزمین، حس جابجایی ایجاد کنند (۵).

بافت: بافت از نرم و ریز تا زبر و خشن ارزش‌گذاری می‌شود، بافت زبر توسط درختانی که دارای برگ‌های بزرگ و شاخه‌های انبوه هستند، ایجاد می‌شود. بافت متوسط را درختانی که دارای اندازه‌ی برگ متوسط هستند و تراکم متوسط دارند، ایجاد می‌کنند (۲).

آب: آب‌های غیر آلوده نقش مهمی در بهبود کیفیت زیبایی‌شناختی بازی می‌کنند و باعث جلب توجه یک سیمای سرزمین خاص می‌شوند. انسان‌ها به‌طور احساسی جلب آب می‌شوند و یک نیاز گسترده به تعامل با آب دارند (۲).

ماتلاک (۱۹۹۱)، بیان می‌کند قدرت تحریک و تهیجی که آب ایجاد می‌کند هم به علت مکان و هم بخاطر صدای آب است (۱۴). آب برای زندگی ضروری است و به سیمای سرزمین قوت می‌دهد، آب هم به عنوان یک نماد است هم خاصیت درمانی دارد و به عنوان یک فاکتور کارآمد در بهبود تجربه‌ی زیبایی‌شناختی منظر مطرح است.

اجزای عنصر زیبایی شناختی آب: آب بر اساس حرکتش به دو دسته تقسیم می‌شود: آب‌های ساکن (آرام - بدون حرکت) و آب‌های جاری.

آب‌های ساکن را می‌توان به تالاب‌ها، برکه‌ها، سدها، دریاچه‌ها و حتی رودخانه‌ها با جریان آب بسیار آرام تقسیم کرد و آب‌های جاری به رودخانه‌ها، نهرها، جوی‌ها و آبشارها تقسیم می‌شوند. آبهای ساکن: این آب‌ها از نظر خصوصیت یک اثر تسکین دهنده، آرامش‌بخش و ذهنی روی بینندگان دارند که به صورت بصری و فیزیولوژیکی می‌باشد و ممکن است ذهن را به تفکر تشویق کنند. این نوع از آب‌ها یک توازن و تعادل با نیروی جاذبه برقرار می‌کنند. آب‌های جاری: آب جاری هر نوع آب متحرکی است که به مجراهای شناخته شده محدود شده باشد مانند آبشار. آبشارها در جاهایی یافت می‌شوند که آب ناگهان از یک ارتفاع بلندتر به پایین سرازیر می‌شود. آب‌های جاری مانند آبشارها جنبش، جهت و انرژی ایجاد می‌کنند.

متغیرهای اجرا شدنی اجزای عنصر آب

مکان: با توجه به تأثیر زیبایی شناختی آب‌های ساکن یا جاری روی سیمای سرزمین حائز اهمیت است.

شکل: لبه‌های عوارض آبی می‌تواند نامنظم باشند در واقع به همان شکلی که در طبیعت هستند و یا به صورت مستقیم و هندسی باشند که عوارض آبی انسان ساخت این گونه‌اند. رودخانه‌های مستقیم دارای جریان شدید هستند بنابراین می‌توانند باعث ایجاد هیجان شوند در حالی که رودخانه‌های دارای پیچ و خم و یا با جریان آزاد می‌توانند باعث ایجاد حس آرامش شوند (۸).

رنگ: رنگ آب شاهدهی مبنی بر خلوص آب است و بر روی درک کیفیت زیبایی شناختی سیمای سرزمین اثر می‌گذارد. آب‌های شفاف با رنگ آبی تیره، طبیعی‌تر و تازه‌تر به نظر می‌رسند، بنابراین هرجایی که دیده شوند تأثیری مثبت ایجاد می‌کنند. آب‌های کدر (گل‌آلود) معمولاً به رنگ سبز روشن، آبی یا قهوه‌ای بر اساس مواد محلول موجود در آن دیده می‌شوند (۱ و ۱۴).

کشیدگی: رودخانه به‌عنوان یک جزء خطی (محوری) جنبش و تحرک را به یک سیمای سرزمین می‌افزاید و سدها بدون هیچ گونه کشیدگی می‌توانند به‌عنوان نقاط کانونی به حساب آیند که حس

جابجایی و جنبش را ایجاد می‌کنند. خطوط مستقیم نسبت به خطوط منحنی قوی‌تر و دارای تأثیر بیشتری هستند و مستقیماً در یک نقطه در مقابل چشم بیننده قرار می‌گیرند.

عوارض انسان ساخت: طبق تحقیقات صورت گرفته یک ترجیح زیبایی‌شناختی واضح برای مناطق بکر و دست نخورده در بین سایر مناطق وجود دارد و زمین‌های کشاورزی، زمین‌هایی که اخیراً به صورت بایر درآمده‌اند و ساختمان‌ها حتی ساختمان‌های مدرن کمترین میزان ترجیح را دارند (۹).

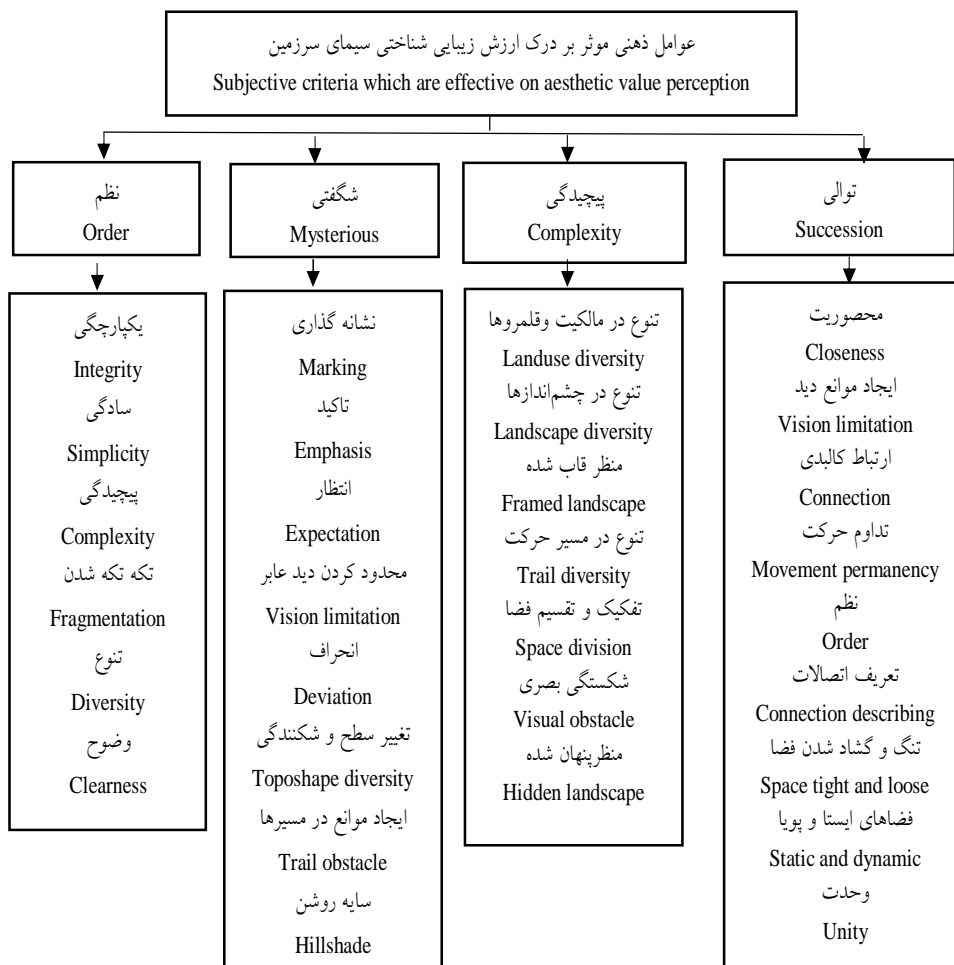
اثرات انسانی نیز روی درک دوری و مسافت تأثیر می‌گذارند. جاده‌ها می‌توانند به ارزش زیبایی منظر اضافه کنند یا از آن بکاهند، جاده‌های مدرن، سخت، محکم و دولاینی، قطعاً از ارزش دید می‌کاهند درحالی که مسیرهای پیاده و پیاده‌روها که به خوبی در یک سیمای سرزمین جای گرفتند می‌توانند به ارزش زیبایی یک منظر بیفزایند. افراد پیاده مسیرهای آرام، بیرون از شهر و مستقل از ترافیک شهری را ترجیح می‌دهند. جنس سطحی که مسیر از آن ساخته شده است نیز مهم است، کوهنوردان و افراد پیاده معمولاً سطوح طبیعی را ترجیح می‌دهند (۵). از بین عوارض انسان ساخت بیشترین تأثیر منفی را مناطق مسکونی و جاده‌های آسفالت‌دارند. میزان تأثیر عوارض انسان‌ساخت بستگی به موادی که از آن ساخته شده‌اند (طبیعی یا مصنوعی) و همچنین شکل این عوارض (هندسی، طبیعی یا مصنوعی) دارد (۱۹ و ۹).

متغیرهای قابل استفاده برای اجزای عنصر انسان ساخت: خصوصیات از قبیل مکان، شکل و کشیدگی عوارض انسان‌ساخت نیز می‌تواند روی کیفیت زیبایی‌شناختی تأثیر گذارد. مثلاً جاده‌ها طبق تعریفشان کشیده هستند بنابراین تحت عنوان اجزای محوری شناخته می‌شوند. مجموعه‌ای از ساختمان‌ها در کنار هم می‌توانند تحت عنوان نقاط کانونی شناخته شوند اما اگر مجموعه‌ی ساختمان‌ها کشیده باشند تحت عنوان محور بیان می‌شوند.

ترکیبی از اجزاء و متغیرهای مختلف ذکر شده در بالا برحسب نوعشان تا حدی می‌توانند تجربه زیبایی‌شناختی از یک منظر را بهبود بخشند یا از آن بکاهند. تمامی این اجزاء، به صورت فیزیکی در محیط خارجی وجود دارند. در ادامه انواع عوامل ذهنی که با توجه به چگونگی ترکیب عوامل فیزیکی فوق روی درک ارزش زیبایی یک منظر تأثیر می‌گذارند بیان می‌شوند.

انواع عوامل ذهنی و نقش آن‌ها بر درک سیمای سرزمین: در این بخش مجموعه‌ای از اصلی‌ترین معیارهای ذهنی اثرگذار روی درک ارزش زیبایی‌شناختی مناظر طبیعی ارائه شده است، تا با تکیه بر

آن‌ها و با توجه به مشاهدات و تحلیل‌های میدانی، بتوان از این معیارها برای مکان‌یابی مناظر زیبا در تحقیقات آتی استفاده شود. شکل (۲) انواع عوامل ذهنی مؤثر بر درک ارزش زیبایی‌شناختی سیمای سرزمین رانشان می‌دهد.



شکل ۲- عوامل ذهنی مؤثر بر درک ارزش زیبایی‌شناختی سیمای سرزمین

Figure 2. Subjective criteria which are effective on aesthetic value perception

توالی (دیدهای متوالی): از مهمترین نظریه‌ها در مبحث ارتباط سلسله‌ای از فضاها و حرکت در مناظر متممادی و توالی بصری، نظریه‌ی دیدهای متوالی است که گوردن کالن بر آن تأکید دارد، همانطور که کالن می‌گوید با قدم زدن از یک سو به سوی دیگر با گام‌هایی یکسان فضاها را به صورت متوالی آشکار می‌شوند در پیش روی ما قرار خواهند گرفت، کوچکترین انحراف و جلو و عقب رفتن فضاها باعث ایجاد یک صحنه جدید و مهیج‌تر می‌شود (۱۳). از نظر کالن توالی، کلیدی‌ترین معیار در تجربه زیبایی یک منظر است. توالی در اندیشه‌ی کالن با مفهوم حرکت ارتباط می‌یابد. دریافت چشم‌اندازهای متوالی در طول مسیر منجر به جلب توجه انسان به محیط و ایجاد تأثیرات مطلوب بصری خواهد شد. یک راه طولانی به واسطه این که دید اولیه به زودی با چشم مأنوس می‌گردد بی‌اثر و خسته‌کننده می‌شود. مغز انسان به تباین و تفاوت‌های میان اشیاء عکس‌العمل نشان می‌دهد و وقتی که دو منظره در آن واحد در حافظه قرار می‌گیرند، یک تفاوت آشکاری احساس می‌گردد و بیننده احساس عمیق‌تری را درک می‌کند. وجود مناظر دل‌انگیز در کنار هم، سیمای سرزمین را سرزنده‌تر نشان می‌دهد، در غیر این صورت بدون شکل و جنبش ظاهر می‌شود (۳). بنابراین در ارزیابی دیدهای پی‌درپی لزوم توجه به وجود ارتباط میان دو منظره موجود و در حال نمایان شدن و تناسب میان اجزای آن‌ها از اصول اولیه ایجاد تداوم بصری خواهد بود. با توجه به مطالب فوق شاخص‌هایی از قبیل: محصوریت، ایجاد موانع دید در مسیرهای طولانی و مستقیم، ارتباط کالبدی اجزاء با یکدیگر و با کل مجموعه، تداوم حرکت، نظم و تناسب، تعریف اتصالات، تنگ و گشاد شدن فضا، فضاها را ایستا و پویا و عوامل ایجاد کننده وحدت در جهت درک توالی فضایی مؤثر خواهند بود (۳، ۶، ۷ و ۱۸).

پیچیدگی: معیار پیچیدگی به معنای هماهنگی، تنوع، گوناگونی و ایجاد وحدت در مناظر است. از نظر کالن این معیار باعث تحریک حس بصری و ارتقاء کیفیت فضا خواهد شد. پیچیدگی چشم را به خود جلب می‌کند، مثلاً ایجاد تفاوت‌ها و تباین‌ها در یک مسیریاده‌روی می‌تواند مناظر را سرزنده‌تر جلوه دهد. این معیار علاوه بر تنوع، به غنای اجزای منظر نظیر پوشش گیاهی، عوارض آبی و خصوصیات الگوی محیط و نحوه‌ی ارتباط این الگوها با هم دلالت می‌کند. شاخص‌های پیشنهادی به منظور ارزیابی این معیار عبارتند از: تنوع در مالکیت و قلمروها، تنوع در چشم‌اندازهای طبیعی و مصنوعی، منظر قاب شده و لحظه‌ای، تنوع در مسیر حرکت، تفکیک و تقسیم فضا، شکستگی بصری، منظر پنهان

شده، پیش‌آمدگی و عقب‌رفتگی و رویداد (جلب توجه ناظر با عناصری چون نشانه‌ها، رنگ، نور و سایه) (۳، ۶، ۷ و ۱۸).

شگفتی: این معیار به تحریک حس اکتشاف در فضا با ایجاد جذابیت فضا برای ناظر اشاره می‌کند. این امر به نوعی فاش کردن یک راز است، حسی که هر چه بیشتر در آن دقت کرد، مفاهیم بیشتری از آن آشکار می‌گردد. در دیدهای پی‌درپی لزوم توجه به تفاوت‌ها و تباین‌های کالبدی و بصری، تأکید، اختلاف سطح، در استتار قرار دادن بنا، انحراف، منحصر به فرد بودن و نشانه‌گذاری کردن فضا به منظور ایجاد حس شگفتی در ناظر دارای اهمیت است. تنوع حس انسان را برای حضور در فضا و کشف جاذبه‌های آن تشویق می‌کند و باعث سرزندگی فضا خواهد شد. براساس مطالب ذکر شده، شاخص‌های مورد نظر برای دستیابی به شگفتی در فضا، عبارتند از: نشانه‌گذاری، تأکید، انتظار، محدود کردن دید عابر، انحراف، تغییر سطح و شکنندگی شیب، توجه به جزئیات، ایجاد موانع دید در مسیرهای طولانی و مستقیم و ایجاد سایه‌روشن (۷ و ۱۸).

نظم و یا بی‌نظمی و اغتشاش: یکپارچگی و سادگی توازن یا نظم را ایجاد می‌کنند و موارد مخالف با آن‌ها مانند تکه تکه شدن و پیچیدگی باعث ایجاد بی‌نظمی می‌شوند، این حس در نتیجه‌ی توزیع اجزاء و تنوع اشکال، رنگ و بافت اجزای موجود در یک سیمای سرزمین است.

نقاط، خطوط، شکل، رنگ یا بافت می‌توانند از یک بخش به بخش دیگر ادامه یابند، در نتیجه یکپارچگی افزایش می‌یابد زیرا نظم از تنظیم و تداوم الگوها ایجاد می‌شود. این حالت یعنی یکنواختی و نظم بر آرامش می‌افزاید و از هیجان موجود در یک منظر می‌کاهد. یک الگوی توزیع تکه تکه شده بدون هیچ‌نظمی باعث ایجاد حس هرج و مرج و عدم توازن می‌شود که در نهایت بر هیجان موجود در یک منظر می‌افزاید. گریک (۲۰۰۲)، یکپارچگی را این‌گونه توصیف می‌کنند: "یکپارچگی، کیفیت تمام بخش‌هایی است که در یک مجموعه منظم، منفرد و منسجم به یکدیگر متصل شده‌اند." یکنواختی (عدم تنوع) نیز نوعی یکپارچگی است اما با کیفیت پایین و با تنوع و سرزندگی کمتر و وحدت یکی از خصوصیات سیمای سرزمین یکپارچه است (۵).

کاپلان و همکاران (۱۹۸۹)، بیان کردند که یکنواختی، وضوح، پیچیدگی و رمز و راز از متغیرهای مؤثر ذهنی در ترجیح سیمای سرزمین هستند که همگی به هم وابسته هستند (۱۰). طبق نظر استانتون (۱۹۹۶)، نظم می‌تواند به‌عنوان مفهومی که در آن همه چیز به صورت منطقی، طبیعی یا قابل درک

مرتب شده‌اند بیان شود و در واقع نظم زمانی ایجاد می‌شود که نیروهای بصری در یک سیمای سرزمین قابل تشخیص باشند و رابطه‌ی اجزاء با یکدیگر به خوبی مشخص باشد (۱۶). میزان تنوع در شکل، رنگ و بافت، احساس سادگی یا پیچیدگی در یک سیمای سرزمین را ایجاد می‌کند و دلالت بر نظم و یا بی‌نظمی می‌کند. سادگی به نوعی نشان دهنده‌ی نظم است و باعث ایجاد آرامش می‌شود و پیچیدگی هیجان را افزایش می‌دهد ولی از میزان نظم می‌کاهد. طبق نظر استانتون (۱۹۹۶)، سادگی به میزانی که سیمای سرزمین به آسانی قابل درک باشد برمی‌گردد و تمایل دارد یک تصویر بسیار واضح را به تصویر بکشد که حس اطمینان را در کنار قابلیت پیش‌بینی پذیری آن ایجاد می‌کند (۱۶).

پیچیدگی و تنوع، وضوح، رمز و راز و ارتباط اجزاء با یکدیگر به عنوان خصوصیات مهمی هستند که در یک مکان، احساسات را تحت تأثیر قرار می‌دهند. پیچیدگی، افراد را در یک سیمای سرزمین درگیر می‌کند و آن‌ها را علاقمند نگه می‌دارد (۱). تنوع، گوناگونی و پیچیدگی در یک سیمای سرزمین در درجه اول نشان‌دهنده‌ی سرزندگی منطقه مورد نظر است و در درجه‌ی دوم میزان تعامل بین اجزاء را نشان می‌دهد (۱۲). منظور از سرزندگی حضور اجزای متفاوتی است که در کنار یکدیگر دیده می‌شوند (۵). اشکال ساده ساختاری دارند که به آسانی توسط چشم درک می‌شوند و این به علت نظم مشخصی است که در بخش‌ها، زوایا و جهت‌های آن وجود دارد و باعث می‌شود به آسانی به خاطر آورده شوند. اشکال انسان‌ساخت اغلب هندسی و پیچیده هستند در حالی که اشکال طبیعی بیشتر قابل درک و ساده هستند (۱۶).

نقش شکل زمین در ایجاد نظم یا بی‌نظمی: تکرار عناصر مشابه حتی به صورت فاصله‌دار در یک سیمای منظر یکپارچگی و نظم را ایجاد می‌کند برای مثال تپه‌هایی که به طور مساوی در دشت‌های پهناور واقع شده‌اند نظم یا تقارن ایجاد می‌کنند و اگر اجزای شکل زمین به صورت نامساوی، تکه تکه شده و پراکنده باشند باعث ایجاد هیجان می‌شوند که در واقع به علت پیچیدگی و عدم توازن در توزیع باعث ایجاد بی‌نظمی در تجربه‌ی زیبایی‌شناختی از منظر می‌شوند (۵).

نقش پوشش گیاهی در ایجاد نظم یا بی‌نظمی: پوشش گیاهی می‌تواند به عنوان یک عامل منسجم کننده عمل کند، لکه‌های بزرگ و هم‌جنس گیاهان بخاطر تداومشان مانند ریسمانی عمل می‌کنند که به صورت بصری تمام اجزای سیمای سرزمین را به هم مرتبط می‌سازند. در یک سیمای سرزمین

یکپارچگی با تداوم بعضی از اجزای سیمای سرزمین افزایش می‌یابد. تداوم بافت و رنگ پوشش گیاهی می‌تواند یکنواختی و آرامش را در یک سیمای سرزمین افزایش دهد از طرف دیگر توزیع نامساوی لکه‌های هم‌جنس ممکن است باعث تکه تکه شدن و بی‌نظمی شود و در نتیجه هیجان را در یک سیمای سرزمین افزایش دهد.

نقش آب در ایجاد نظم یا بی‌نظمی: متغیرهای کارآمد برای عوارض آبی رنگ و شکل هستند. تنوعی از رنگ و شکل و توزیع نامساوی از اجزای آبی می‌تواند بر میزان بی‌نظمی و پیچیدگی یک منطقه بیفزاید و در نتیجه حس هیجان را در یک سیمای سرزمین ایجاد کنند.

نقش عوارض انسان‌ساخت در ایجاد نظم یا بی‌نظمی: مانند موارد ذکر شده در بالا یکنواختی و توزیع منظم این اجزا باعث ایجاد نوعی نظم و آرامش در سیمای سرزمین می‌شود و تنوع و توزیع نامتقارن این عوارض در کنار هم بی‌نظمی و در نتیجه حس هیجان را ایجاد می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

حس زیبایی‌شناسی و زیبایی دوستی از جمله گرایش‌های فطری انسان است که از بدو تولد فرد را در تمام مراحل زندگی همراهی می‌کند. بدون شک در مبحث مربوط به ارزیابی و آمایش سرزمین جهت استفاده بهینه افراد از محیط، ارزیابی ارزش‌های زیبایی‌شناختی و تعیین مهم‌ترین معیارهای تأثیرگذار ضروری به نظر می‌رسد. برخلاف ارزیابی جنبه‌های اکولوژیکی و اقتصادی سیمای سرزمین، ارزیابی ارزش‌های زیبایی‌شناختی نمی‌تواند به آسانی بر مبنای داده‌ها و اطلاعات کمی صورت بگیرد و حضور معیارها و داده‌های کیفی تأثیرگذار روی سیمای سرزمین برای ارزیابی این ارزش‌ها اجتناب‌ناپذیر است. به طور کلی روش‌های ارزیابی زیبایی مناظر به دو دسته ارزیابی ترجیحات مردم (عموما ادراکی) و ارزیابی توسط کارشناسان (تخصصی) تقسیم بندی می‌شوند. در مدل‌های ارزیابی تخصصی، ارزش‌گذاری بر اساس جنبه‌های بصری و زیبایی در ذات منظر (عینی) انجام می‌گیرد و در ارزیابی توسط ترجیحات مردم، ارزش‌گذاری بر مبنای احساس و ادراک افراد نسبت به منظر صورت می‌گیرد. ویژگی‌های عینی منظر از قبیل وجود سیمای مناظر طبیعی و بکر، تنوع شکل زمین، وجود عوارض آبی، پوشش گیاهی و خصوصیات ذاتی از قبیل توالی، سادگی و پیچیدگی، شگفتی، نظم و تنوعی که مجموعه‌ی عوامل فیزیکی در کنار هم ایجاد می‌کنند، در ذهن بیننده سازمان‌دهی می‌شوند و تا حد زیادی روی درک ارزش زیبایی‌شناختی منظر تأثیر می‌گذارند. مراحل سیر این فرآیند اهمیت تلفیق

عوامل عینی و ذهنی و میزان تأثیرگذاری این دو گروه از معیارها روی درک ارزش زیبایی‌شناختی را نشان می‌دهد. اغلب روش‌های ارزیابی کیفیت زیبایی‌شناختی سیمای سرزمین نیز از تلفیقی از دو نوع نگرش فوق را استفاده می‌کنند و این نشان می‌دهد که تحلیل زیبایی‌شناختی می‌تواند با درجه‌ای از عینیت، بر مبنای ترجیحات عموم مردم سنجیده شود. بخش زیادی از این ترجیحات به‌طور مورفولوژیکی قابل اندازه‌گیری هستند و می‌توانند در سیستم اطلاعات جغرافیایی به صورت عینی نقشه‌سازی و ارزش‌گذاری شوند.

با توجه به ضرورت پرداختن به چالش‌های محیط زیستی در دنیای امروز و با تأکید بر نقش غیرقابل انکار طبیعت در حفظ و پایداری محیط، ارزیابی ارزش‌های زیبایی‌شناختی به عنوان بخشی از رویکرد اکولوژیکی باید در طرح‌های مدیریتی و برنامه‌ریزی مورد توجه باشند، در این راستا ابتدایی و اساسی‌ترین گام، شناسایی معیارهای موثر بر ارزش زیبایی‌شناختی منظر است.

رهیافت‌های ترویجی

بر اساس نتایج پژوهش حاضر موارد زیر به‌عنوان رهیافت‌های ترویجی به‌منظور ارزیابی صحیح ارزش‌های زیبایی‌شناختی سیمای سرزمین پیشنهاد می‌گردد:

- توسعه مکانی یک سیمای سرزمین بدون ارزیابی مناسب از اثرات زیبایی‌شناختی، منابع طبیعی گردشگری مهم و دارای ارزش بالا را با مشکل مواجه می‌سازد بنابراین شناخت انواع عوامل عینی و ذهنی جهت ارزیابی صحیح ضروری به نظر می‌رسد.

- کیفیت زیبایی‌شناختی نباید تنها به‌عنوان ویژگی ذاتی یک شی فیزیکی به حساب آید، بلکه تمایز ذهن و طبیعت راه را برای ارج نهادن به نقش احساس در تخمین ترجیح زیبایی‌شناسی هموار می‌سازد، در واقع تحلیل زیبایی‌شناختی می‌تواند با درجه‌ای از عینیت، بر مبنای ترجیحات عموم مردم سنجیده شود، بنابراین تلفیق دو رهیافت عینی و ادراکی (ذهنی) می‌تواند به‌عنوان روشی جامع برای ارزیابی کیفیت زیبایی‌شناختی سیمای سرزمین به کار گرفته شود.

- انواع اشکال بصری برداشت‌های بینندگان بر مبنای شکل، رنگ، بافت، ریتم، تناسب، توازن، تقارن، نظم، امتداد، پیوستگی و گوناگونی سیمای سرزمین متفاوت است، بنابراین سیمای سرزمین به‌عنوان ابزاری برای ایجاد روابط زیبایی‌شناسی و عکس‌العمل ذهنی بیننده مطرح می‌شود و با توجه به این که حس بصری بیشترین تأثیر را روی کیفیت تجربه‌ی تفریحی افراد دارد بنابراین ارزیابی کیفیت بصری و

زیبایی‌شناختی سیمای سرزمین باید به‌عنوان یک بخش کاربردی در طرح‌های آمایش و مدیریت سرزمین اعمال شود.

منابع

1. Beer, A., and Higgins, C. 2004. Environmental Planning for Site Development: A manual for sustainable local planning and design. Routledge, 368p.
2. Booth, N.K. 1989. Basic Elements of Landscape Architectural Design. Waveland press, 315p.
3. Carmona, M., and Tiesdell, S. 2007. Urban Design Reader. Routledge, 66p.
4. Clay, G.R., and Daniel, T.C. 2000. Scenic landscape assessment: the effects of land management jurisdiction on public perception of scenic beauty. Landscape and urban planning, 49(1): 1-13.
5. Fourie, R. 2005. Applying GIS in the evaluation of landscape aesthetics, Stellenbosch: Thesis presented in partial fulfillment of requirements for the degree of Master of Art at the University of Stellenbosch, 79p.
6. Ghaffari sadeh, A. 1992. The principle of consecutive spaces designing in urban architecting. Journal of Seffe, 8: 10. (In Persian)
7. Hosseini, S.B., and Razaghi Asl, S. 2008. Movement and time in urban landscape. International journal of engineering sciences of Elm o Sana't University, 6(19): 7-35. (In Persian).
8. Ingram, D.L. 1982. Basic principles of landscape design. Circular-Florida Cooperative Extension Service (USA).
9. Kaltenborn, B.P., and Bjerke, T. 2002. Associations between environmental value orientations and landscape preferences. Landscape and urban planning, 59(1): 1-11.
10. Kaplan, R., Kaplan, S., and Brown, T. 1989. Environmental preference a comparison of four domains of predictors. Environment and behavior, 21(5): 509-530.
11. Marsh, W.M. 1991. Landscape planning: environmental applications, 472p.
12. Misgav, A. 2000. Visual preference of the public for vegetation groups. Landscape and Urban Planning, 48(3): 143-159.
13. Motevalli, M. 2010. Surveying and evaluating of aesthetic value in urban landscape based on the concept of consecutive views (Case study: Darabad recreation routs of Tehran). Journal of Armanshahr, 3(5): 123-139. (In Persian).
14. Motloch, J. 1991. Introduction to landscape design. Van Nostrand Reinhold/co Wiley. 728p.
15. Silvennoinen, H., Alho, J., Kolehmainen, O. and Pukkala, T. 2001. Prediction models of landscape preferences at the forest stand level. Landscape and Urban Planning, 56(1): 11-20.

16. Stanton, C. 1996. Skye and Lochalsh landscape assessment. *Snh Review*. 71p.
17. Sung, D.-G., Lim, S.-H., Ko, J.-W., and Cho, G.-S. 2001. Scenic evaluation of landscape for urban design purposes using GIS and ANN. *Landscape and Urban planning*, 56(1): 75-85.
18. Tavassoli, M. 2003. The principle of relation in urban designing. *Journal of Beautiful Art*, 14: 7-16. (In Persian).
19. Van den Berg, A.E. and Vlek, C.A. 1998. The influence of planned-change context on the evaluation of natural landscapes. *Landscape and Urban Planning*, 43(1): 1-10.
20. Wilson, S. 2002. *Guidelines for landscape and visual impact assessment*. Taylor & Francis, 176p.



Gorgan University of Agricultural
Sciences and Natural Resources

J. of Conservation and Utilization of Natural Resources, Vol. 5 (1), 2016
<http://ejang.gau.ac.ir>

The objective and subjective criteria which are effective on the scenic beauty perception of landscapes

***S. Saeidi¹, M. Mohammadzadeh², A. Salmanmahiny³, S.H. Mirkarimi⁴**

¹MSc of Environmental assessment, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan, Iran, ^{2,4} Assistant Professor, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan, Iran, ³Associate Professor, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan, Iran.

Received: 11/21/2013; Accepted: 03/10/2014

Abstract

Background and objectives: Recent literature paid high attention to scenic evaluation of natural landscapes. The individual perception, due to the perceptual characteristics of landscape, is different from one to another and this is what called as “aesthetic preferences” in this study. These perceptions are different from one to other as a result of landscapes diversity and based on the shape, color, texture, rhythm, suitability, balance, symmetry, order, direction and continuity. The aim of this research was to identify the objective and subjective criteria which are effective on the scenic beauty perception of landscapes.

Materials and methods: This is a reviewing research which is done by librarian method and using the existing documents. In this paper, related components and variables have been surveyed by investigating landscape elements.

Results: land use planners usually assess the scenic value of landscapes using the objective and subjective approaches. At the first approach, landscape visual quality is defined by physical and biological values of landscape such as diversity of toposhape, vegetation cover, water features and man-made features and in the second approach is defined according to the individual vision, perception and feeling.

Conclusion: This paper is presented a list of objective and subjective criteria which are effective on scenic value of a landscape and the role of each criterion in the preference of a landscape is expressed. Final conclusions showed that spatial

* Corresponding author; s.saeidi@ymail.com

expansion of a landscapes without proper aesthetic impact assessments will endanger the high valuable tourism natural resources, therefore recognizing of objective and subjective factors seems to be necessary for proper assessment. Aesthetic quality should not be considered as the only inherent characteristic of an object but also the differentiation of mind and nature would make it easier to honor the role of emotions in estimation of landscape aesthetic preferences, actually aesthetic analyzing can be examined by a degree of objectivity based on public preferences. The combination of objective and subjective approaches could be used as a comprehensive method to assess the aesthetic quality of a landscape. Regarding that the visual sense has the most impact on the quality of recreational experience of individuals so assessing the aesthetic and visual quality of a landscape should be regarded as a fundamental part in land use planning and management projects.

Keywords: Landscape, Aesthetic value evaluation, Objective criteria, Subjective criteria.

